



مرکز تحصیلات تکمیلی

رساله

برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (Ph.D.)

رشته: مدرسی دکتری معارف اسلامی – قرآن و متون اسلامی

گروه: معارف اسلامی

**بررسی پارادوکس حکم ارتداد در اسلام با آزادی عقیده و بیان
(با تأکید بر قرآن و سنت)**

حیدر امانی فر

استاد راهنما: دکتر محمد صادق جمشیدی راد

استاد مشاور اول: دکتر محمد جواد سعدی

استاد مشاور دوم: دکتر فاطمه علیپور

مهرماه ۱۳۹۴



تقدیم

تقدیم به علماء عامل و فقهاء صالح و محدثین عظیم الشان جهان تشیع که با حفظ تراث اسلامی و سیره نبوی و ائمه اطهار علیهم السلام چراغ فروزان هدایت را روشن نگه داشتند. و منابع عظیم و پایان ناپذیر اسلام را با خون خود از شرّ بدعتگزاران در دین و محرّفان تاریخ خصوصاً قوم پلید یهود محافظت نمودند. تا نسل امروز بتواند با مراجعه به آنها همچنان پاسخگوئی پرسشهای نوظهور بوده و برداشتن چنین گوهرهای تابناکی بر خود ببالد. تقدیم به امام راحل و عظیم الشانی که اسلام ناب محمدی را در قرن حاضر به منصفه ظهور رساند و تقدیم به خلف صالحش که پرچم انقلاب اسلامی را با عزّت و افتخار بر دوش میکشید تا آن را بر بلندای قلّه های رفیع عزّت و سربلندی و پیشرفت به اهتزاز درآورد. و آن را به دست صاحب اصلی این نظام بسپارد. همان رادمردی که شالوده این پایان نامه از نظریه بدیع و منحصر به فرد ایشان الهام گرفته است، مرجع عظیم الشان فرید دهر حضرت آیتالله العظمی خامنه ای دامت برکاته.

و با تشکر و سپاس ویژه از اساتید گرانقدری که این حقیر را در نوشتن این پایان امه یاری نمودند. حضرات حجج اسلام دکتر جمشیدی راد، دکتر سعدی و خانم دکتر علیپور، خداوند بر طول عمر این عزیزان افزوده و با محمد و آل محمد محشورشان فرماید.

انشاء...

حیدر امانی فر

چکیده

حکم ارتداد یکی از فروع مسلم فقهی اسلام است که براساس آن فرد مرتد به مجازات های سنگین محکوم می شود. از حبس تا اعدام. علاوه بر مخالفین و منتقدین به اسلام بسیاری از مدافعین نیز بر این باورند که حکم مذکور برخلاف یکی از بدیهی ترین حقوق اولیه انسان، یعنی آزادی عقیده و بیان می باشند. در این راستا کتب و مقالات بسیاری با رویکردهای مختلف برای پاسخ به این شبهه پارادوکسیکال به رشته تحریر درآمده است. برخی کلاً به حذف این حکم و ضد بشری بودن آن رأی داده و برخی با نگاه مسالمت آمیز و حذفی و محدود کردن آن به شرایط و زمان خاص، و عده ای هم بانگاه امنیتی به مسأله ارتداد، آن را حرکتی فتنه گرانه شمرده و با توجه به عواقب مخرب اجتماعی آن مرتد را مستوجب مجازات دانسته اند.

گروهی با نگاه تحلیلی به ارتداد و واژه های مرتبط با آن و ماهیت عقیده کلاً عمل ارتداد را خارج از عقلانیت و اندیشه قلمداد کرده و آن را ماهیتاً از حوزه تعقل و تفکر خارج و بلکه ضد عقلانیت شمرده و حکم ارتداد را حرکتی برای دفاع از حریم تعقل و تفکر شمرده اند

پایان نامه حاضر نیز با گرایش به تئوری اخیر علاوه بر آنکه ارتداد صادقانه از اسلام را محال دانسته تلاش نموده تا آنجا که ممکن است رویکرد چهارم را مبرهن و مستند به آیات و روایات نماید. به همین منظور پس از تحلیل واژه های مرتبط با ارتداد، فصلی اختصاص داده شد به اینکه وجود آزادی عقیده و بیان و حکم ارتداد هر دو از بدیهیات اسلام بوده و پس از نگاهی کوتاه به آراء مختلف منتقدین و مدافعین از حکم ارتداد، با تحلیل مفهوم عقیده و اسلام و تبیین ماهیت ارتداد، و اثبات لجوجانه و معاندانه بودن آن پارادوکس مورد ادعا مرتفع گردید.

واژه های کلیدی: آزادی عقیده و بیان، ارتداد، کفر، پارادوکس.

فهرست مطالب

صفحه

عناوین

مقدمه..... ز

بخش اول (مباحث مقدماتی)

فصل اول: مفاهیم و کلیات

- ۱-۱- واژه ها و مفاهیم..... ۳
- ۱-۱-۱- عقیده..... ۳
- ۱-۱-۲- بیان..... ۳
- ۱-۱-۳- آزادی..... ۴
- ۱-۱-۴- عقل و عقلانیت..... ۵
- ۱-۱-۵- برهان, بینات..... ۵
- ۱-۱-۶- جدل..... ۷
- ۱-۱-۷- وجود..... ۸
- ۱-۱-۸- فسق..... ۹
- ۱-۱-۹- کفر کافر..... ۱۱
- ۱-۱-۱۰- ارتداد(مرتد)..... ۱۲
- ۱-۲- بیان مسأله..... ۱۷
- ۱-۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق..... ۱۹
- ۱-۳-۱- سابقه تحقیق..... ۱۹
- ۱-۳-۲- ضرورت انجام تحقیق..... ۱۹

۲۱

۴-۱- فرضیه ها

- ۱-۵- هدف ها ۲۲
- ۱-۶- کاربردهای متصور از تحقیق ۲۲
- ۱-۷- مراجع استفاده کننده از نتیجه رساله ۲۲
- ۱-۸- روش انجام تحقیق ۲۳
- ۱-۸-۱- روش و ابزار گردآوری اطلاعات ۲۳
- ۱-۸-۲- روش تجزیه و تحلیل داده ها ۲۳

فصل دوم: پیشینه حکم ارتداد

- ۲-۱- قتل مرتد در سایر ادیان ۲۵
- ۲-۲- نهضت های طغیانگر علیه حکم ارتداد ۲۷

فصل سوم: دیدگاههای مختلف درباره حکم ارتداد

- ۳- رویکردهای متفاوت اندیشمندان در مواجهه با حکم ارتداد ۳۱
- ۳-۱- رویکرد اول (رویکرد حذفی) ۳۱
- نقد اجمالی شبهات وارده علیه حکم ارتداد ۳۴
- ۳-۲- رویکرد دوم (رویکرد محدودیت حکم ارتداد) ۴۳
- ۳-۳- رویکرد سوم (رویکرد سیاسی، اجتماعی و امنیتی) ۵۰
- ۳-۴- رویکرد چهارم (رویکرد تحلیلی) ۵۷

بخش دوم (مباحث اصلی)

فصل اول: دلایل آزادی عقیده در اسلام و مبانی فقهی حکم ارتداد

- ۱-۱-۱ دلایل آزادی عقیده و بیان از دیدگاه اسلام ۷۰
- ۱-۱-۱-۱ دلیل اول: انسان تکویناً موجودی مختار و صاحب اراده است ۷۱
- ۱-۱-۲ دلیل دوم: برسمیت شناختن آزادی اندیشه و حق مخالفین ۷۱
- ۱-۱-۳ دلیل سوم: اثبات ناپذیری حق و حقیقت با زر و زور ۷۲
- ۱-۱-۴ دلیل چهارم: زورگویی مجوز زورگویی است ۷۳
- ۱-۱-۵ دلیل پنجم: اصول دین باید تحقیقی باشد نه تقلیدی ۷۳
- ۱-۱-۶ دلیل ششم: نهی قرآن کریم از تحمیل عقیده بر دیگران ۷۳
- ۱-۱-۷ دلیل هفتم: منع تفتیش عقاید در اسلام ۷۵
- ۱-۱-۸ دلیل هشتم: مخالفت اسلام با آنچه ضد عقل است ۷۵
- ۱-۱-۹ دلیل نهم: ارائه برهان و تقاضای برهان ۷۶
- ۱-۱-۱۰ دلیل دهم: مخالفت اسلام با آنچه ضد اراده است ۷۶
- ۱-۱-۱۱ دلیل یازدهم: عفو مستضعفین فکری سایر ادیان ۷۷
- ۱-۱-۱۲ دلیل دوازدهم: روش اسلام در تبلیغ دین، آزاداندیشانه است ۷۷
- ۱-۱۲-۱-۱ معقول و منطقی بودن دعوت ۷۸
- ۱-۱۲-۲-۱-۱ تقدم نویدبخشی بر بیم دهندگی ۷۸
- ۱-۱۲-۳-۱-۱ سادگی و پرهیز از بیانات غیر قابل فهم ۷۸
- ۱-۱۲-۴-۱-۱ پرهیز از ایجاد نفرت ۷۹
- ۱-۱۲-۵-۱-۱ پرهیز از ملامت و خشونت ۷۹
- ۱-۱۲-۶-۱-۱ گذشت و آسانگیری ۸۰
- ۱-۱۲-۷-۱-۱ نرمش اولیاء دین با مردم ۸۰
- ۱-۱۲-۸-۱-۱ دعوت از مخالفین، به اقامه برهان ۸۱

- ۱-۱-۱۲-۹- پلورالیسم دینی به معنای تحمّل عقاید دیگران ۸۲
- ۱-۲-۲- دلایل خاص آزادی بیان در اسلام ۸۲
- ۱-۲-۱- وجوب بیان حقیقت و حرمت کتمان آن ۸۲
- ۱-۲-۲- ممنوعیت تمسخر و تحقیر عقاید دیگران ۸۳
- ۱-۳-۳- حکم و کیفر مرتد در قرآن کریم ۸۵
- ۱-۳-۱- عدم قبول دین، محرومیت از هدایت، لعنت و عذاب ۸۵
- ۱-۳-۲- نابودی اعمال و خشم الهی و محرومیت از رضوان خدا ۸۷
- ۱-۳-۳- قساوت قلب، کورفهمی، عدم پذیرش توبه ۸۷
- ۱-۳-۴- نزول عذاب، مسخ مرتدین در دنیا و حکم قتل آنها ۸۹
- ۱-۳-۵- هدایت ناپذیری، حرمت دوستی با آنان و حکم قتل ایشان ۹۱
- ۱-۳-۶- غضب الهی و ذلّت در دنیا ۹۴
- ۱-۳-۷- خسران در دنیا و آخرت ۹۴
- ۱-۳-۸- محرومیت از ولایت خداوند و عذاب دنیا و آخرت ۹۴
- ۱-۳-۹- سختی جان دادن ۹۵
- ۱-۳-۱۰- سیاه روئی و عذاب دردناک ۹۶
- ۱-۴-۱- حکم مجازات مرتد در روایات ۹۶
- ۱-۴-۱- دسته اول ۹۹
- ۱-۴-۲- دسته دوم ۹۹
- ۱-۴-۳- دسته سوم ۱۰۰
- ۱-۴-۴- دسته چهارم ۱۰۱
- ۱-۴-۵- دسته پنجم ۱۰۲
- ۱-۴-۶- دسته ششم ۱۰۲
- ۱-۵-۱- حکم مرتد در فقه شیعه ۱۰۳
- ۱-۶-۱- احکام مرتد در نزد اهل جماعت ۱۰۵
- ۱۰۸- نتیجه این فصل ۱۰۸

فصل دوم: بابت عقیده و ملاک های حقایق آن

- ۱-۲- ضرورت تبیین مفاهیم اسلامی از دیدگاه اسلام ۱۱۱
- ۲-۲- معیار و ملاک اعتبار عقیده و ایمان ۱۱۲
- ۳-۲- نقش عقلانیت در مسأله شناخت از دیدگاه فلاسفه ۱۱۷
- ۴-۲- قیاس برهانی شریف ترین قیاس ۱۲۲
- ۵-۲- سیره رسول اکرم(ص) (برهان و جدال احسن) ۱۲۵
- ۶-۲- پرهیز از تجربه گرایی و علم زدگی در دین شناسی ۱۲۸
- ۷-۲- موانع اندیشه و عوامل حق ستیزی از دیدگاه قرآن و سنت ۱۳۱
- ۱-۷-۲- تکیه بر ظن و گمان بجای علم و یقین ۱۳۱
- ۲-۷-۲- میل ها و هواهای نفسانی ۱۳۲
- ۳-۷-۲- شتابزدگی ۱۳۲
- ۴-۷-۲- سنت گرایی و گذشته نگری ۱۳۳
- ۵-۷-۲- شخصیت گرایی و تفکر قبیله ای ۱۳۳
- ۶-۷-۲- غفلت و حق ستیزی ۱۳۴
- ۷-۷-۲- وسوسه علمی و شیطانی و غرق شدن در اوهام ۱۳۵
- ۸-۷-۲- کبر و غرور ۱۳۶
- ۹-۷-۲- دنیاگرایی ۱۳۶
- ۱۰-۷-۲- گناه و آلودگی ۱۳۷
- ۸-۲- ملاک های حقایق دین ۱۳۸
- ۹-۲- اهلیت و صلاحیت داشتن برای قضاوت در دین ۱۴۰
- ۱۰-۲- آزادی عقیده در حد توان علمی ۱۴۲
- ۱۱-۲- اباحه گری یا آزادی عقیده ۱۴۳

فصل سوم: ماهیت و ویژگیهای دین مبین اسلام

- ۱۵۵ ۱-۳-۱ ویژگیهای دین مبین اسلام
- ۱۵۶ ۱-۳-۱-۱ اسلام دین آرامش و امنیت
- ۱۵۹ ۱-۳-۲ اسلام تنها دین تحریف نشده و مستند به تاریخ دقیق
- ۱۶۰ ۱-۳-۳ اسلام تنها دین دارای معجزه جاوید
- ۱۶۰ ۱-۳-۴ اسلام دین فطرت است
- ۱۶۳ ۱-۳-۵ اسلام دین عقل و عقلانیت
- ۱۶۹ ۱-۳-۶ اسلام دین آزادی عقیده و بیان
- ۱۶۹ ۱-۳-۷ اسلام دین آزادی، عدالت و حقوق بشر
- ۱۷۱ ۱-۳-۸ اسلام دین علم و آگاهی و دشمن خرافات
- ۱۷۳ ۱-۳-۹ اسلام دین رأفت و رحمت توأم با عدالت
- ۱۷۶ ۱-۳-۱۰ اسلام دین حضرت آدم تا پیامبر خاتم(ص)
- ۱۸۰ ۱-۳-۱۱ اسلام دین اخلاق و جامع همه ارزش های انسانی
- ۱۸۳ نتیجه فصل سوم

فصل چهارم: ماهیت ارتداد و فلسفه حکم مرتد در کتاب سنت

- ۱۸۶ ۴-۱-۱ ماهیت مرتد از بعد روانی و انگیزه و انواع آن
- ۱۸۷ ۴-۲-۱ تبیین و تحلیل انواع ارتداد از بعد روانی و انگیزه
- ۱۸۷ ۴-۲-۱-۱ ارتداد به معنای شک و تردید با انگیزه کشف حقیقت
- ۱۸۹ ۴-۲-۲-۱ استقبال از مباحث و تشکیکات علمی

- ۱۹۱ ۳-۲-۴- مردّد و شاک حق انکار ندارد.....
- ۱۹۳ ۴-۲-۴- جای شبهه علمی در جایگاه علمی است.....
- ۱۹۴ ۵-۲-۴- پذیرش توبه مرتد با احتمال جهل و صداقت آنان.....
- ۱۹۶ ۳-۴- ارتداد احساساتی و اکراهی.....
- ۱۹۷ ۴-۴- ارتداد و انکار صادقانه اسلام.....
- ۱۹۷ ۴-۴-۱- تحلیل محال بودن ارتداد صادقانه و حقیقی از اسلام.....
- ۱۹۸ ۴-۴-۱-۱- انکار و تکذیب تاریخ اسلام محال است.....
- ۱۹۸ ۴-۴-۱-۲- تکذیب اسلام تکذیب فطرت است.....
- ۱۹۸ ۴-۴-۱-۳- تخطئه روش عقلاء بجای پاسخ به تحدی قرآن.....
- ۲۰۰ ۴-۴-۱-۴- انکار اسلام، انکار عقلانیت و دستاوردهای بشریت است.....
- ۲۰۰ ۴-۴-۱-۵- انکار اسلام، انکار علم و معرفت است.....
- ۲۰۱ ۴-۴-۱-۶- انکار اسلام، انکار عدالت است.....
- ۲۰۱ ۴-۴-۱-۷- انکار اسلام مساوی است با فساد و فحشاء.....
- ۲۰۱ ۴-۴-۱-۸- انکار اسلام یا انکار آزادی عقیده.....
- ۲۰۲ ۴-۴-۱-۹- انکار اسلام یا تکذیب همه ادیان.....
- ۲۰۳ ۴-۴-۱-۱۰- انکار اسلام یا انکار تمام فضائل انسانی.....
- ۲۰۴ ۴-۵- ارتداد کفر آمیز و منافقانه.....
- ۲۰۴ ۴-۵-۱- ارتداد سیاسی، ارتداد مشمول مجازات در اسلام.....
- ۲۰۵ ۴-۶- دلایل وحدت ارتداد با کفر و نفاق در اسلام.....
- ۲۰۵ ۴-۶-۱- دلیل اول: آیات قرآن.....
- ۲۱۲ ۴-۶-۲- دلیل دوم: روایات.....
- ۲۱۶ ۴-۶-۳- دلیل سوم: بیان فقهاء.....
- ۲۲۱ شرایط تحقق ارتداد مشمول مجازات در فقه.....
- ۲۲۶ ۴-۶-۴- دلیل چهارم: جرائمی که در فقه مهر ارتداد خورده اند.....
- ۲۲۷ الف: محاربه.....

- ب: تحریف و بدعت گذاری در دین ۲۳۰
- ج: منکرین نبوت و مدعیان دروغین نبوت و امامت و نیابت ۲۳۴
- د: تمسخرکنندگان دین و مقدسات ۲۳۵
- ه: اهانت کنندگان به مقدسات ۲۳۶
- ز: خائنین به منافع اسلام و مسلمین و ستون پنجم کفار ۲۳۸
- ح: مروّجان فرهنگ اباحه گری و عوامل بیگانه ۲۳۹
- ط: جاسوس کفار محارب ۲۳۹
- ۴-۶-۵- دلیل پنجم: سیره عملی رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) ۲۳۹
- ۴-۶-۶- دلیل ششم: سیره فقهاء ۲۴۱
- ۴-۶-۷- دلیل هفتم: عدم تناقض در قرآن ۲۴۱
- ۴-۶-۸- دلیل هشتم: عدم تناقض اسلام با بدیهیات عقلی و فطری ۲۴۲
- ۴-۶-۹- دلیل نهم: ترویج آزادی عقیده توسط خود اسلام ۲۴۳
- ۴-۶-۱۰- دلیل دهم: تقبیح بکارگیری زور و اجبار در اسلام در مورد عقاید ۲۴۳
- ۴-۶-۱۱- دلیل یازدهم: اعتراف مخالفین و مدافعین حکم ارتداد به آزاداندیشی در اسلام ۲۴۳
- ۴-۶-۱۲- دلیل دوازدهم: تقویت مقوم های عقل و حرمت زایل کننده های عقل در اسلام ۲۴۴
- ۴-۶-۱۳- دلیل سیزدهم: تساهل و تسامح در اسلام ۲۴۴
- ۴-۶-۱۴- دلیل چهاردهم: تعظیم جایگاه عقل و وجوب پیروی از یقین ۲۴۵
- ۴-۶-۱۵- دلیل پانزدهم: تعبیر قرآن در مورد ارتداد و مرتد ۲۴۵
- نگاهی کوتاه به ماهیت کفر در قرآن ۲۵۵
- ۴-۶-۱۶- دلیل شانزدهم: مصادیق تاریخی مرتد ۲۶۰
- نتیجه فصل چهارم ۲۶۱

فصل پنجم: نتیجه بحث

نتیجه بحث	۲۶۳
فهرست منابع	۲۷۰
کتب فارسی	۲۷۰
کتب عربی	۲۷۵
روزنامه و نشریات	۲۸۳
پیشنهادات	۲۸۴
چکیده انگلیسی	۲۸۵

• مقدمه

اسلام از یک طرف ارکان خود را بر محور آزادی اندیشه و تفکر و حتی وجوب بیان حق و امر به معروف و نهی از منکر، ارزش علم و معرفت، عقل و عقلانیت و توسعه استوار کرده و در باب نصیحت یکدیگر و نصیحت حاکمان و مقابله با ظلم و ستم و عدم پیروی از گذشتگان که همه آنها جز از طریق آزادی بیان امکان تحقق ندارد بیش از همه مکاتب تأکید نموده است.

و از طرف دیگر خروج از اسلام را به عنوان ارتداد محکوم و شخص مرتد در صورتی که واجد شرایط باشد بر اساس کتب فقهی شیعه و عامه به اشد مجازات محکوم می نماید. (نجفی، بی تا)، ۶۰۰/۴۱، الجزیری، ۱۴۰۶، ج ۵، ۶۴۱).

پس از بررسی آیات و روایات و تاریخ فرق ضاله و شخصیت هائی که در تاریخ به عنوان مرتد معروف شدند به این حقیقت رهنمون شدم که مسأله ارتداد خارج از مدار عقلانیت می باشد. برای اثبات این مسأله نکات زیر که به نظر می رسد نوعی نوآوری نیز محسوب می گردد در این پایان نامه رعایت و تعقیب شده است.

۱- در این پایان نامه تلاش گردیده با استناد به آیات و روایات و مستندات تاریخی ثابت شود که ارتداد عملی برخلاف علم و معرفت و یقین خود مرتد و در ستیز با عقل و عقلانیت و انسانیت و حقوق بشر می باشد.

۲- تلاش گردیده با دلایل فرا دینی اثبات کند ارتداد از اسلام محال عقلی و فلسفی می باشد.

۳- تلاش گردیده این پایان نامه برای جوانان و دانشجویان قابل فهم باشد و لذا سعی شده است حتی الامکان با جملاتی ساده و بدون پیچیدگیهای فنی بیان گردد.

۴- این بحث یک بحث فقهی و کلامی است. از آن جهت که مستندات حکم ارتداد فقهی است. بحث فقهی می باشد و از آن جهت که به بیان و تبیین فلسفه حکم ارتداد پرداخته شده بحث در کلام جدید می گنجد.

۵- نگاه ما به مجازات مرتد بطور مطلق می باشد. بررسی میزان آن اعم از حبس یا تعزیر، دنیوی یا اخروی مربوط به فقه است. آنچه مسلم است مجازات مرتد می باشد که در قرآن و روایات آمده است. کم باشد یا زیاد، مختص به معصوم باشد یا غیر معصوم، در این عصر تعطیل شود یا نشود، اعم از دنیا باشد یا منحصر به آخرت، در هر حال مجازات برقرار است حتی اگر حواله به آخرت شود. بازهم پارادوکس مورد ادعا حل نمی شود. بلکه متوجه خدا شده و عدالت او را زیر سؤال می برد.

مسائلی که این رساله عهده دار پاسخ و تبیین آنهاست عبارتند است:

سؤال اصلی

ماهیت ارتداد مورد خشم و نفرت اسلام که آن را مستحق مجازات سنگین کرده است چیست؟ و ماهیت پارادوکسیکال حکم ارتداد با آزادی عقیده و بیان چگونه قابل جمع میباشد؟

سؤالات فرعی

۱ - واژه های بکار رفته در اسلام درباره مرتد تا چه میزان می تواند معرف ماهیت مرتد

باشد؟

۲ - آیا حکم ارتداد در ادیان دیگر نیز وجود دارد؟

۳ - دیدگاه های مختلف در مورد این حکم پارادوکسیکال چیست؟

۴ - دیدگاه اسلام درباره آزادی عقیده و بیان و حکم ارتداد بطور کلی چیست؟

۵ - ماهیت عقیده و ملاک حقایق آن از دیدگاه اسلام و عقلا چیست؟

۶ - ماهیت و ویژگی های دین اسلام چیست؟

۷ - ماهیت ارتداد و فلسفه حکم آن چیست؟

در همین راستا این پایان نامه در دو بخش مقدماتی و اصلی تنظیم گردیده که در بخش اول سه سؤال

اول از سؤالات فرعی در قالب سه فصل، و در بخش دوم چهار سؤال آخر در قالب چهار فصل تبیین و

پاسخ داده شده و سپس در پایان، نتیجه گیری بعمل آمده است.

بخش اول (مباحث مقدماتی)

❖ فصل اول: مفاهیم و کلیات

❖ فصل دوم: پیشینه حکم ارتداد

❖ فصل سوم: دیدگاه ها

فصل اول

مفاهیم و کلیات

۱ + واژه ها و مفاهیم کلیدی

واژه ها و مفاهیمی که در این فصل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته واژه هائی است که در آیات قرآن و روایات و گفتمانهای عقیدتی مورد استفاده قرار گرفته و در قرآن و احادیث و کتب فقهی در مورد مرتد به صورت گسترده استعمال گردیده است. و چون هیچ واژه ای در قرآن بدون حکمت استفاده نمی شود قهراً تحلیل و شناخت این مفاهیم نقش مؤثری در پی بردن به ماهیت ارتداد مورد نظر اسلام دارد.

۱-۱-۱ عقیده

عقیده از ریشه عقد به معنای محکم کردن هر چیزی است. و به معنای پیمان بستن نیز در قرآن کریم آمده است " و الذین عقدت ایمانکم " ، (و کسانی که با آنان پیمان بسته اید). همچنین به معنای سفت، غلیظ و گره می باشد. و اعتقد الامر یعنی تصدیق نمود آن را و اعتقاد یعنی گرویدن، تعیین کردن، باور، اعتماد، اطمینان، ایقان و عقیده محکم و به معنای فکر و رای نیز آمده است. (الفراهیدی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۰۷)

۱-۱-۲ بیان

در فرهنگهای لغت از آن جمله تاج العروس و اقرب الموارد، بیان، به معنای تبیین، گفتن، روشن کردن و نشان دادن آمده است. بان بیانا یعنی پیدا و آشکار شد. بینه یعنی پیدا و آشکار کرد. و در قرآن آمده است که تبیان لكل شیء و آیات بینات؛ یعنی روشن و واضح. هر آنچه که نیازی به دلیل نداشته باشد مثل خورشید، آیات و بینات است. دلیل یعنی چیزی که انسان را به چیز دیگری رهنمون می کند و خود نیازمند دلیل دیگری نیست به همین دلیل بینه را دلیل نیز می گویند. بنابراین بیان به معنای دلیل آوردن، اثبات نظرات و اعلام نظر براساس شواهد و حجتهای آشکار است. (الخوری الشرتونی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۱۱۷ و زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۲: ۲۰۵)

۱-۱-۳ آزادی

آزادی از جمله لغات شناخته شده است که معنای آن بطور فطری و وجدانی فهمیده می شود و لذا آن را با معانی مقابل آن شرح می دهند. در عربی معنای آن حریت است و آن چنان که در کتب لغت آمده

است حریت یعنی آزادگی، جوانمردی، کریم. حر العبد حرارا و حریه یعنی آزاد شد، اصیل گردید. (الخوری، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۲۲۰)

در فارسی نیز آزاده و آزادگی و آزادی به معنای اصیل، نجیب، فروتن، فارغ، وارسته و رهائی آمده است. (معین، ۱۳۸۷: ۱۱۰)

معادل انگلیسی آن **Liberti** می باشد که اصطلاح لیبرالیسم از آن پدید آمده است.

کلمه آزادی در اصطلاح، معانی متفاوتی یافته است که بیشتر ناشی از حد و مرزی است که هر آئین و مکتبی برای آن قائل شده و آنرا در چهارچوب مبانی خود تفسیر نموده است.

حداقل چیزی که همه بر آن توافق دارند آن است که انسان موجودی مختار و دارای اراده آزاد است و انتخاب عقیده توسط او نباید تحت فشار و اجبار یا تحت تاثیر تطمیع و تهدید قرار گیرد و در بیان اندیشه، هر کس باید بدون هیچ هراس و واهمه بتواند عقاید خود را اظهار و تبیین و ابراز نماید که در منشور سازمان ملل نیز به آن تصریح شده است. (در بند ۲۵ و ۲۶ آن آمده است)

- هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهرمنند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن اظهار عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است.
- هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد. و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن، با تمام وسایل و بدون ملاحظات فردی، آزاد باشد. (زنجانی، ۱۳۸۷: ۳۷۹)

۱-۱-۴ - عقل و عقلانیت

در کتاب العین فراهیدی آمده است: العقل: نقيض الجهل و المعقول: ما تعقله فؤادك: عقل مقابل جهل است و معقول آن چیزی است که قلب تو آن را درک می کند. (الفراهیدی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۰۷)

عقل و عقل و عَقْل و تعقل، علاوه بر اندیشیدن به بستن و بازداشتن و توقیف کردن نیز معنا شده است. و عَقْل البعیر یعنی پای شتر را بست. تعقل و اندیشه نیز چون انسان را از کارهای غیراخلاقی و غیرعقلانی و رفتن به سوی عدم توازن باز می دارد تعقل محسوب می شود.

همچنان که در قرآن از زبان کفار آمده است، " لو كنا نسمعُ او نعقل ما كنا في اصحاب السَّعير "، (اگر گوش شنوا برای حرف حق داشتیم و می اندیشیدیم از اصحاب جهنم نبودیم. (ملک/ ۱۰)) یعنی اگر تعقل می کردند از رفتن راه انحراف که سرانجامش آتش دوزخ است باز می ایستادند.

همچنین عقل به معنای دانش و خرد و عاقل به معنای خردمند و دانا آمده است.

بنابراین عقل و علم با یکدیگر رابطه مستقیم داشته و در واقع دانش ثمره تعقل و تفکر است و تفکر نیز بدون علم تفکر نیست.

" و تلك الامثال نضربها للناس و يعقلها الا العالمون " (عنکبوت/۴۳)

بررسی کلمات افترا، دروغ، تمسخر، هزلیات، پیروی کورکورانه از گذشتگان و پیروی از هوی و هوس در آیات قرآن و نسبت دادن آنها به کلمه «**لا یعقلون**» نشان می دهد این مفاهیم ضد عقلانی از نظر قرآن نیز به پیروی از سیره عقلاء خارج از عقلانیت شمرده شده است. (رجوع شود به کتاب المعجم الفهرس قرآن کریم) در واقع عقل نیروی کنترل کننده انسان و مساوی با انسانیت انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند.

۱-۱-۵- برهان و بیّنات

برهان: بیان الحججه و ایضاحها (برهان اقامه دلیل و تبیین آن است) (فراهدی، ۱۴۲۱: ج ۱، ص ۱۲۷)

در العین آمده است: برهان یعنی: روشن، حجت، دلیل، بیان، وضوح. " **قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ** " قطعا از جانب خداوندتان دلیلی روشن برای شما آمد (نساء، ۱۷۴). و مبرهن علیه یعنی به ثبوت رسیده.

" **يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ** " (نساء / ۱۷۴).

در میزان برهان به عنوان حجت قاطع معرفی شده. (طباطبائی، ج ۱۶، ص ۷۳)

قرآن را برهان نامید چون دلیل قاطع و روشن است. حجه نیز به معنای دلیل است، علی هذا دلیل را به واسطه روشن بودن، برهان و به واسطه دلالت بر مقصود، حجه گویند. در کتاب قاموس قرآن آمده است: برهان یعنی دلیل روشن و محکم ترین دلیل هاست. (قرشی، ۱۳۵۳: ج ۱، ص ۱۷۳) بنابراین برهان به استدلال های عقلی، منطقی، قطعی و یقین آور گفته می شود که هم معرفت ساز است و هم اتمام کننده حجه در مقابل ستیزه جویان.

به همین دلیل قرآن کریم هم خود در اثبات مدعا به اقامه برهان می پردازد و هم از مخالفین طلب برهان می کند. زیرا برهان شریف ترین نوع استدلال است. (طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۴۲۶) و سخن بدون برهان را افتراء می نامد چنانکه در تفسیر نورالتقلین در ذیل آیه ۶۴ نمل و ۱۱۱ بقره آمده است. (ابن جمعه عروسی، ۱۱۱۲: ج ۴، ص ۱۳۸)

" **قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین** " (نمل، ۶۴)